



www.imam-khomeini.ir

## استکبار ستیزی از نگاه امام خمینی(ره)

امروز دنیا در شعله های سرکش آتش جور و ستم قدرت های استکباری زبانه می کشد و ملل محروم – که در عین فرورفتن در فقر و تنگنا و تحمل رنج و مرارت های ناشی از آن دارای منابع غنی ثروت می باشند – در معرض تاخت و تازهای مکرر و ویرانگر ستمگران و متعبدیان جهانی قرار می گیرند و سرمایه های بزرگ اقتصادیشان به تاراج می رود.

واژه «استکبار» که در ادبیات سیاسی ما وارد شده است از تعالیم قرآن کریم مایه می گیرد. مبارزه با ظلم و نفی استکبار، از اصول اساسی اندیشه مبارزاتی حضرت امام بوده و همواره مورد تاکید قرار گرفته است. ظلم زدایی و مبارزه با استکبار به عنوان یک مسؤولیت دینی – سیاسی، جدی ترین آثار را در قیام ملل مستضعف علیه نظام ظالمانه حاکم بر جهان از خود به جای گذاشته است.

اندیشه ظلم ستیزی حضرت امام (ره) که برخاسته از تفکر دینی و باور ناب مذهبی ایشان بود، از یک سو با طرح پدیده ظلم ستیزی به عنوان تکلیف دینی، موجب شد که این تفکر با غیرت دینی امت اسلامی گره خورده و برای همیشه به عنوان یکی از الزامات و تکالیف دینی نقش آفرین گردد و از سوی دیگر، روحیه مبارزه با ظلم و قدرتهای استکباری را در عمق جان توده های تحت ستم کاشته و بدین سان، زمینه خیزش و جنبشهای رهیابی بخش و ضد استعماری را بیش از پیش فراهم

سازد. مواجهه و رویارویی جدی و همه جانبه حضرت امام با دنیای استکباری و بویژه ابرقدرت آمریکا، در ابعاد نظری و عملی، تأثیرات خاص و عمیقی را در جهان و بویژه جنبشهای اسلامی از خود به جای گذاشت. اگر تا قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، رویارویی با دنیای استکباری و ایستادگی در برابر غرب و آمریکا، تنها یک آرمان و ذهنیت دور از واقعیت تلقی می شد؛ با شکل گیری انقلاب اسلامی و پیروزی همه جانبه آن، جهان مستضعف به مبارزات ضد استعماری و رهایی بخش خویش امیدوار گردید و نهضتهای اسلامی در عرصه جهانی جان تازه ای یافت.

امام خمینی این نکته را چنین بازگو می نمایند: «برای من مکان مطرح نیست. آنچه مطرح است مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت بگیرد آنجا خواهیم بود…»

(صحیفه امام، ج۵، ص: ۳۰۱)

اگر در اندیشه سیاسی حضرت امام مبارزه با ظلم و استکبار به عنوان یک تکلیف دینی مطرح می گردد، طبیعی است که این امر در تقویت و دلگرمی نهضتهای اسلامی نقش بارزی ایفا خواهد کرد: «خدای تبارک و تعالی ما را مکلف کرده که با این طور اشخاص، با این طور ظلمه، با اینهایی که اساس اسلام را دارند متزلزل می‌کنند و همه مصالح مسلمین را دارند به باد می دهند، ما مکلفیم که با اینها معارضه و مبارزه بکنیم. اگر یکوقتی هم دستمان برسد، دست به تفنگ می‌بریم و معارضه می‌کنیم. خودمان تفنگ به دوشمان می‌زنیم و معارضه با آنها می‌کنیم.»(صحیفه امام، ج۵، ص: ۲۱)

امام خمینی در هر شرایط مناسبی به روشنگری می پرداخت و اهداف شوم دشمنان را برملا می ساخت. او مسلمانان را به پاسداری از ارزشهای متعالی توصیه کرد و تصمیم شیطانی دشمن را نسبت به غارت ارزشهای اسلامی گوشزد نموده و فرمود: «نکته مهمی که

همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کنُی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهی‌مان نمی شناسند. به گفته قرآن کریم، هر گز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند.» (صحیفه امام، ج۲۱، ص: ۹۰)

برخی از مهمترین شاخصه های دکترین«استکبارستیزی» در اندیشه حضرت امام(س):

حضرت امام(س) در طول مبارزه و بالاخص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل گیری نظام اسلامی که نظام استکبار جهانی بطور تمام قد در برابر آن قرار گرفت و آن را بزرگ ترین تهدید قلمداد کرد، به تبیین ابعاد و شاخصه های استکبارستیزی پرداختند که مهم ترین آن عبارت است از:
۱- الهی بودن ظلم ستیزی: یکی ازمولفه های مهم مبانی اندیشه ای حضرت امام(س)مساله مبارزه با استکبار، مساله ماهیت الهی مبارزه و قیام برای خداست. ایشان در ابتدای پیامی که تاریخ خطاب به همه مسلمانان و علما و روحانیون نوشته اند با اشاره به آیه «قل انما اعظم بواجده ان تقوموالله» آورده اند: «خدای تعالی در این کلام شریف، از سرمنزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده، و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میانه تمام مواعظ انتخاب فرموده و این کلمه یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است.... خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذِ دیگران درآورده».
(صحیفه امام، ج۱، ص: ۲۲۰)

این عبارات اولین گامهای حضرت امام (ره) در آغاز حرکت بزرگ استکبارستیزی ایشان است، که مبتنی برآموزه های قرآنی «قیام لله» شکل گرفته است. حضرت امام (ره) بارها در طول مبارزه با یادآوری این نکته که «مبارزه‌های که الان بین کفر و اسلام است، این منازعه بین ما و امریکا نیست، بین اسلام است و کفر»

(صحیفه امام، ج۱۱، ص: ۱۰۵)
تلاش نمود تا ماهیت اسلامی و الهی استکبارستیزی را به ملت ایران گوشزد کند تا بر اثر غفلت، سطح مبارزه تا کسب منافع مادی و غیرالهی تنزیل نیابد.

۲- سازش ناپذیری : ایشان امکان هرگونه تلاش برای نزدیکی و سازش و مصالحه با استکبار را نفی می کند و آن را نافی عزت مسلمین می داند. حضرت امام (ره) مبتنی بر آیات و روایات متعددی که در نفی پذیرش ولایت کفار و مستکبران امده، انهایی را که بدنبال مذاکره و کنار آمدن با دشمنان خدا هستند را به عنوان خائن معرفی می کند. ایشان با صراحت در نفی هرگونه سازش با استکبار جهانی فریاد بر می آورد: «کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند!... اگر بند بند استخوانهایمان را جدا

سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتشان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هر گز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.» (صحیفه امام، ج۲۱، ص: ۹۸)
پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به تبعیت از سیاست های ضداستکباری مقتدا و رهبر خویش و به دلیل نقش اساسی و فرآگیر آمریکا در ایجاد بلوا و اغتشاش در ایران و توطئه های مکرر به منظور فروپاشی نظام تازه تاسیس جمهوری اسلامی در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸سفرتخانه آمریکا را که به لانه جاسوسی شیطان بزرگ علیه اسلام و انقلاب و کشور مستقل ایران تبدیل شده بود به اشغال خویش درآوردند. این حرکت به مبارزات ملت مسلمان ایران علیه استکبار جهانی شدت و حرارت بخشید و قدرت پوشالی و متزلزل آمریکائیان در ایران را فروریخت و به ملت های تحت ستم جهان برای مخالفت و مبارزه علیه شیطان بزرگ جرات و توان بخشید.

با توجه به تثبیت روز ۱۳ آبان به عنوان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی که از اصول اساسی اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی می باشد، لازم است برخی از زوایا و ابعاد جلوه های این تفکر و دیدگاه های ژرف مورد توجه و تعمق قرار گیرد تا نسل امروز به معرفت و بینش سیاسی لازم در این موضوع مهم و حیاتی و پیوند خورده با استقلال و اقتدار ایران اسلامی نائل آید. حضرت امام خمینی در تعیین خط مشی مبارزه با استکبار اولین اصلی که مورد توجه قرار می دهند این است که تا قدرت های سیطره جو و مستکبر جهان به اضحلال و انقراض درنیانند محال است که صلح و آرامش و سلامت و سعادت در کره ارض حاکم گردد و محرومان و به بند کشیده شدگان به حقوق الهی خود نائل آیند و به وراثت زمین برسند: «سلامت و صلح جهان بستنه به انقراض مستکبرین است؛ و تا این سلطه طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۱۱۴)

حضرت امام خمینی به منظور تعیین یکی دیگر از اصول و خط مشی های اساسی برای مبارزه با استکبار جهانی اعلام می نماید: «ما اگر قدرت داشته باشیم تمام مستکبرین را از بین خواهیم برد.»(صحیفه امام، ج۶، ص: ۴۹۹)

۳- سومین اصل برای مبارزه با استکبار جهانی در نگاه حضرت امام خمینی«ندام مبارزه» است. این پیشوای بزرگ الهی مبارزه با کفر و شرک و نفاق را که جبهه متحد نظام استکباری دنیا را به وجود می آوردن فضلی و مقطعی و محدود و محصور به عصر و زمان خاصی نمی دانست که در این صورت هیچ تضمین و پشتوانه ای برای تامين صلح جهانی و گسترش آرامش و امنیت و آزادی و عدالت و همزیستی مسالمت آمیز بین ملل دنیا وجود نخواهد داشت و جهان هر لحظه آیستن حوادثی خواهد بود که توسط سران نظام های سیاسی و حکومتی استکبار و مطابق با خواست و اراده و صلاحدید و مطامع و منافع ضدانسانی آنها به وقوع خواهد پیوست. حضرت امام خمینی در تعیین این خط مشی اساسی و زیربنایی با قاطعیت و صراحت و صلابت اعلام می نمود: «تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم.»

(صحیفه امام، ج۲۱، ص: ۸۸)



صحیفه‌نور

مرگ بر همه ظالم‌های دنیا. مرگ بر آنهایی که دارند مردم را و ملتها را می چابند و با تبلیغات خودشان، خودشان را یک ملت یا یک دولت صلح‌طلب حساب می‌کنند اینها در حال مرگ هستند. آتی که باقی است خدای تبارک و تعالی است. آن که هست و همیشه هست او است.

صحیفة امام ج۲۰ص۲۵۱ |جماران؛ ۲۵ فروردین ۱۳۶۶



قبل از هر سخنی ایام محرم را تسلیت عرض میکنم و با توجه به گذشت یک ماه از آغاز سال تحصیلی جدید، ورود دانشجویان جدید را به مرحله نوبنی از زندگی با نام مستعار دانشجو تبریک عرض میکنم و این طلیعه و آغاز رو به فال نیک بگیرید و گامهای خویش را استوارتر از گذشته در این مسیر نو بردارید. وقتی در پردازش نخستین سخن خویش با شما بودم یاد این جمله ی حضرت امام (ره) افتادم که فرمودند: دانشگاه مبدأ تحولات است این جمله که معنا و مفهومی عجیب پیدا کرده است.

گاه دانشجویی، ارزش انسانی خویش را به ثمن بخش فروخته و مصداق ترقی معکوس شده است
اینکه برای شما چه اتفاقاتی رقم بخورد به هدف شما بستگی دارد، به اینکه چه اندازه قدر وجود خویش را درک کرده باشید.این مبدأ تحول به سان ساحت های دین هم نمود فردی و هم نمود اجتماعی دارد.خلاصه در دوران دانشجویی خودتان را برای اتفاقات شاد و گاه غم انگیز که وسیله ای جهت رشد و تکامل انسانیت است، در دانشگاه آماده کنید و این شاء الله روزگار پیش روتان سرشار از ترجیع بند پیشرفت باشد. اما گذشته از اینها به لطف خدا و یاری دوستان عزیز و همراهی شما دانشجویان اولین شماره را در نشریه در سال جدید تحصیلی چاپ شد. در این نشریه سعی بر این شده تا انتقادات و پیشنهادات شما دانشجویان عزیز را به گوش مسؤلین برسانیم و شنونده ای خوب برای درد و دل های شما عزیزان باشیم .

بنابراین امیدواریم بتوانیم یا به پای خواننده های خوش سلیقه قلم سرخ امسال را با موفقیت پشت سر بگذرانیم. انتقادات و پیشنهادات خودتان را حتما ما به

در میان بگذارید.

با آرزوی موفقیت برای شما عزیزان



بسم الله...
خداوند منان را برتمام الطاف و نعمت های بیشمارش شاکریم که شکر نعمت، بر آن بیافزاید.
سال تحصیلی جدید را هرچند با تاخیر به دانشجویان جدید الورود- و البته دانشجویان جدیدالورود سال های گذشته- تبریک عرض می کنم و امیدوارم لحظاتی خوش و خاطرات بیادماندنی در طول مدت تحصیل داشته باشید. و اما بعد ...

کتابی را به یاد دارم که فارغ از محتوای درونی اش، عنوانی جالب داشت:

"دانشجو باید سبب زمینی نباشد"

اما اینکه سبب زمینی یعنی چه و چه کنیم که سبب زمینی نباشیم در این وجیزه نمی گنجد لکن برای روشن شدن مفهوم سبب زمینی نبودن ، از بیانات مقام معظم رهبری کمک میگیرم که میفرمایند:
اولین فریضه دانشجویی عبارت است از آرمانخواهی. آرمانخواهی مخالف محافظه کاری است، نه مخالف واقع گرایي. محافظه کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیتی – هرچه تلخ ، هرچه بد – باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه کاری است. معنای آرمانگرایی این است که نگاه کنید به واقعیتها و آنها را درست بشناسید؛ از واقعیت‌های مثبت استفاده کنید، با واقعیت‌های سلبی و منفی مبارزه کنید. و چشمتان به آرمانها باشد.

## ماهنامه تحلیلی علمی فرهنگی سیاسی هنری قلمرو

**بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر**



**سیزده آبان یک نماد است ...**

- در میان ایام الله انقلاب که یادگارهای دوران مبارزه‌ی بیست و چندساله‌ی ملت شجاع و پیروز ما و هرکدام حامل خاطراتی و پرتوی از امام راحل عظیم ماست، سیزدهم آبان، دارای ابعادی متنوع تر و پیامهایی عمیق‌تر و بنیانی‌تر است. صف‌آرایی دو جبهه‌ی مبارزه‌یی خونین، جبهه‌ی ظالم و جبهه‌ی مظلوم، جبهه‌ی استکبار و سلطه و پیشاپیش آن امریکا، و جبهه‌ی حق و عدل و مشعلدار و امام آن خمینی کبیر در این یومالله بوضوح دیده می‌شود و در هر سه مناسبت این روز، آشکار و روشن، خودنمایی می‌کند و نسلهای امروز و فردا را به تأمل و تدبر وامی‌دارد. <sup>۱</sup>
- روز سیزده آبان به خودی خود با روزهای قبل و روزهای بعد تفاوتی ندارد؛ اما یک نماد است. نماد یعنی چه؟ یعنی یک رمزی که پشت سر خود، در دل خود، معنایی فراوانی نهفته دارد. انسان یک کلمه بر زبان می‌آورد، معنای و حقایق بسیاری در دل این کلمه هست؛ سیزده آبان از این قبیل است. این روز یک نماد است و عقبه‌ی وسیعی دارد. از مطالب مهم، مسائل مهم؛ مسائلی که به هیچ وجه تاریخی نیستند، بلکه مسائل امروز ما هم به حساب می‌آیند. یک نگاهی بکنیم به مناسبت‌های این روز. <sup>۲</sup>
- سه حادثه است آکه در طول سالهای گوناگون – پیش از انقلاب و پس از پیروزی انقلاب – در سیزده آبان اتفاق افتاده است : حادثه‌ی تبعید امام در سال ۴۳، حادثه‌ی کشتار بی‌رحمانه‌ی دانش آموزان در تهران در سال ۵۷، و حادثه‌ی حرکت شجاعانه‌ی دانشجویان در تسخیر لانه‌ی جاسوسی در سال ۵۸؛ هر سه حادثه به نحوی مربوط میشود به دولت ایالات متحده‌ی آمریکا. در سال ۴۳ امام (رضوان الله تعالی علیه) به خاطر اعتراض علیه کابینتولاسیون – که به معنای حفظ امنیت مأموران آمریکایی در ایران و مصونیت قضایی آنها بود – تبعید شدند؛ پس قضیهٔ مربوط شد به آمریکا. در سال ۵۷ رژیم وابسته‌ی به آمریکا در خیابانهای تهران دانش‌آموزان را به قتل رساند و اسفالت خیابانهای تهران به خون نوجوانان ما رنگین شد، برای دفاع از رژیم وابسته‌ی به آمریکا؛ این هم مربوط شد به سال ۵۸ ضربت متقابل بود؛ یعنی جوانان شجاع و مؤمن دانشجویی ما به سفارت آمریکا حمله کردند و حقیقت و هویت این سفارت را که عبارت بود از لانه‌ی جاسوسی کشف کردند و در مقابل چشم مردم دنیا گذاشتند. <sup>۳</sup>
- آخرین قضیه‌ای که در سیزده آبان پیدا شد، تسخیر لانه‌ی جاسوسی بود. در سال ۵۸ به مناسبت سالروز تبعید امام و شهادت دانش‌آموزان، باز هم جوانها آمدند کاری کردند که دنیا را خیره کرد و آمریکا را به زانو درآورد. این واقع قضیه است؛ اینها شعار نیست. شما بدانید؛ آن روزی که لانه‌ی جاسوسی تسخیر شد، دولت آمریکا آبرو و اعتبار و هیمنه‌اش چندین برابر امروز بود. شما امروز را نگاه نکنید که آمریکا در چشمها سبک شده، کوچک شده، ملتها علنا علیه آمریکا دشنام میدهند و آنها را نفرین میکنند. آن روز اینجور نبود؛ آن روز آمریکا در دنیا یک هیمنه‌ی ابرقدرتی درجه‌ی یک داشت. جوان دانشجویی ما با شجاعت، با شهامت، به عنوان لبه‌ی اصلی جبهه‌ی مقاومت ملت ایران، سفارتخانه‌ی آنچنان آمریکائی را تسخیر کرد؛ کسانی را که آنجا بودند، زندانی کرد. البته امام محبت کردند، ملاحظت کردند و بعد از اندکی گفتند عناصری از آنها – مثل زنهاشان – برگردند بروند آمریکا؛ لیکن آن عناصر اصلی تا مدتی طولانی در اینجا ماندند. این هم حرکت عظیمی بود که قدرت آمریکا را در دنیا متزلزل کرد؛ آمریکا با آن هیمنه و با آن عظمت، ناگهان در چشم ملتها فروکش کرد. کار به جایی رسید که رئیس جمهور آمریکا برای نجات این گروهگانها دست به حمله‌ی نظامی پنهانی و شبانه به ایران زد. جاسوسانشان را در اینجا بسیج کردند،

از همان طیس برگردند و بروند. قضایای سیزده آبان اینهاست. سیزده آبان نماد است؛ در دل خود، در عقبه‌ی خود معنایی فراوانی دارد؛ که این معنای، همه برای ما درس است؛ باید اینها را به یاد داشته باشیم؛ طمع‌ورزی آمریکا، وابستگی رژیم طاغوت به آمریکا و فساد آن دستگاه، ایستادگی ایمان منکی به بصیرت امام بزرگوار و مردم، حضور نسل جوان، شجاعت و جسارت نسل جوان انقلابی در مقابل هیمنه و چهره‌ی آرایش کرده و بزک کرده‌ی آمریکا؛ اینها همه در دل کلمه‌ی سیزده آبان است. پس سیزده آبان یک حرف کوچکی نیست. <sup>۴</sup>

<sup>[1]</sup> -۱/۱۳۹۰/۸/۱۳ پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی
[2]-۲/۱۳۹۰/۸/۱۳ پیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان
[3]-۳/۱۳۹۰/۸/۱۳ پیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان
[4]-۴/۱۳۹۰/۸/۱۳ پیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان

| ماهنامه تحلیلی ، علمی ، فرهنگی ، سیاسی ، هنری          |
|--|
| <div>صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی شهرستان کاشمر</div>    |
| <div>مدیر مسئول: میثم میری</div>                       |
| <div>سر‌دبیر: شوری سردبیران</div>                      |
| <div>شماره اول   آذرماه هزار و سیصد و نود و چهار</div> |



## طنز احداث دانشگاه آزاد واحد «وین مرکز» در اتریش

وزیر جوان امور خارجه اتریش که جای پسر آقای ظریف بود با وی دیدار کرد ولی به دلیل تفاوت های زیاد بین نسل اول و نسل سوم صحبت هایش را نتوانست به دل همنای خود جاکند و مذاکرات به نتایج خاصی نرسید. همینطور سعی داشت با رئیس مجلس دیدار کند که با ایشان هم به دلیل همین اختلاف سن به نتیجه نرسیدند و در نهایت با آقای الف.هر که در اتلیه صحبتی نداشتند و چنان فاصله سنی بیاد می کرد که انتظار می رفت دیدار ایشان با وزیر جوان تنها با سلام دادن شروع و با خداحافظی پایان یابد ولی اتفاقی عجیب تمام خبرنگاران را متعجب کرد زیرا هر دو طرف گفت و گوهای زیادی رد و بدل کردند که در ادامه به بخشش از آنها می پردازیم.

یکی از حاضران در جلسه خبر داد: وزیر جوان اتریشی خیلی علاقه داشت آقای الف.هر برای او قصه تعریف کند زیرا با دیدن آقای الف.هر گفت: به یاد مرحوم پدربزرگ پدرم افتادم (اشک در چشمان وزیر جوان حلقه زده بود) که او را خیلی دوست داشتم. آقای الف.هر وزیر جوان را در آغوش می کشید و سر او را بر شانه های خود می گذاشت تا قصه ای برایش تعریف کند.

البته به دلیل اینکه جلسه دیدار آقای الف.هر و وزیر جوان اتریشی ای حالت رسمی خارج شد خبرنگاران حاضر در جلسه بیرون شدند و این دیدار پشت در های بسته ادامه یافت. آقای الف.هر بعد از جلسه عنوان کرد: من با وزیر جوان صحبت هایی داشتم و برای ایشان از خاطرات گذشته سخن گفتم و با او رابطه خوبی برقرار شد به گونه ای که انگار یکدیگر را چندین سال است می شناسیم.

بعد از بخش خاطرات، من قصه ای برای ایشان قرائت کردم زیرا حس کردم احساس دلنگی دارد زیرا وی اولین بار بود که از کشور خود خارج می شد به همین دلیل یک دلنگی غریبی داشت که با قصه هایی که برای ایشان تعریف کردم خیلی آرام شد و علاقه خود را به داستان های ایرانی بیان کرد. بعد از خواندن داستان ها و شعر های قدیم ایرانی وزیر جوان خواستار راه اندازی کرسی ادبیات فارسی در تمام کشور اتریش شد که ما با کمال میل قبول کردیم و سریعاً دستور دادیم چند کرسی راه اندازی کنند.البته ایشان از دانشگاه آزاد هم دعوت کردند که چند واحد آموزشی در وین راه اندازی شود که به تصویب رسید و آنها نیز با نام های وین جنوب، وین شمال و وین مرکز نام گذاری شدند. آقای الف.هر ادامه داد: بعد از اصرار بیش از حد از طرف وزیر اتریشی قرار شد ماهی یکبار بنده برای دیدار با ایشان به وین سفر کرد و در کاخ اختصاصی ایشان برای او قصه بگویم و از خاطراتم برای او تعریف کنم. انشالله در سفر به اتریش طرح های جدیدی تصویب می کنیم تا بتوانیم در تمام شهر های اتریش دانشگاه آزاد احداث کنیم و روابط بین ایران و اتریش را مستحکم تر کنیم.

<sup>[1]</sup> -۱/۱۳۹۰/۸/۱۳ پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی

<sup>[2]</sup> -۲/۱۳۹۰/۸/۱۳ پیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان

|  |
|--|
| <span><span><span></span></span></span>  |
| <b>طنز / مناجات نامه</b>   |
| <p>سیاس و ستایش دانشگاه آزاد را که ترکش موجب بی مدرکی است و به کلاس اندرش مزید در به دری ، هر ترمی که آغاز می شود موجب پرداخت زر است و چون به پایان رسد مایه ضرر ، پس در هر سالی دو ترم موجود و بر هر ترمی شهریه ای واجب *<sup>*</sup></p> |
| از جیب و جان که بر آید / کز عهده خرجش به در آید  |

|  |
|--|
| <span><span><span></span></span></span>  |
| <b>طنز / سوال نظر سنجی</b>   |
| <p><b>به سه نفر از شرکت کنندگان در این مسابقه پیامکی به قید قرعه جایزه ای نفیس اهدا خواهد شد .</b></p> |

**در کدام نقطه هنوز واحدی از دانشگاه آزاد احداث نشده است؟**

۱) فلات تبت
۲) کوههای کلیمانجارو
۳) جزایر گالاپاگوس
۴) قطب جنوب و حومه

**برای شرکت در مسابقه لطفا عدد گزینہ ی مورد نظر را به شماره ۰۵۱۱۷۷۰۰۶۶ ارسال نمایید.**

|   |
|---|
| <span><span><span></span></span></span>           |
| <b>مصاحبه با یک دانشجو ...</b>                    |
| <p><b>مصاحبه با یک دانشجوی خیلی خیلی موفق</b></p> |

**مصاحبه کننده :** شما صبح ها معمولا چه کاری انجام می دهید ؟

**دانشجو :** صبح که از خواب بیدار می شم وبگردی میکنم.

**مصاحبه کننده :** بعد از ظهر چطور ؟

**دانشجو :** این که پرسیدن نداره. خوب معلومه وبگردی میکنم.

**مصاحبه کننده :** و شب ها ؟

**دانشجو :** وبگردی میکنم دیگه.

**مصاحبه کننده :** پس چه زمانی درس می خوانید ؟

**دانشجو :** زمانی که وبگردی نمیکنم.

**مصاحبه کننده :** پس زمان هایی هم هست که وبگردی نمیکنید.

**دانشجو :** نه ، زمانی نیست که وبگردی نکنم.

**مصاحبه کننده :** پس منظور تون اینه که درس نمی خونید ؟

**دانشجو :** چرا میخونم.

**مصاحبه کننده :** میشه خیلی واضح بفرمایین کی درس میخونین؟

**دانشجو:** توی وبگردی هام یه وقتایی ناخواسته و از روی بدشانسی به وبلاگای درسی برمی خورم. و باز هم متاسفانه تا زمانی که بخوام اون وبلاگ را ببندم، چشمم به یکی دو تا از جمله ها میخوره و با این روش تقریبا روزانه پنج جمله ی ناخواسته یاد می گیرم.

|   |
|---|
| <span><span><span></span></span></span> |
| <b>تلخندگ</b>                           |
| www.Talkhandak.com                      |



پوستر از صداقت آمریکایی

|   |
|---|
| <span><span><span></span></span></span> |
| <b>دکتر وحید یامین پور</b>              |
| www.rajanews.com                        |

## ظریف و خسارت بزرگ! ...

آیا انچنان که حامیان دولت می گویند، ظریف همان مصدق است؟! رسانه های دولتی ماه هاست که با انتشار تصاویر ظریف و مصدق درکنار یکدیگر، ظریف را مصدق ایران امروز می دانند و در این اسطوره سازی هیجانی، چشم بر واقعیت های تاریخ می بندند.

واقعیت این است که ظریف با مصدق شباهت های فراوانی دارد و این شباهت ها بیش از آنکه در رابطه با خدمات مصدق باشد در روحیات غربگرایانه و امریکازدگی، خوشبینی و ساده اندیشی است. رهبر معظم انقلاب در ۱۲ ابان ۹۴ با تحلیل روانشناختی مصدق، برخی مسوولین سیاست خارجی را مخاطب هشدارهایی جدی قرار دادند: «اشتباه مصدق پس از ملی‌شدن صنعت نفت، تکیه و اعتماد و امید به آمریکا بود... همین خوش‌بینی و ساده‌اندیشی و غفلت، زمینه‌ساز موفقیت کودتایی آمریکایی شد؛ کودتایی که همه‌ی زحمات ملت را در ملی کردن نفت به هدر داد، رژیم مستبد و وابسته‌ی پهلوی را احیا کرد و ایران عزیز را ۲۵ سال در معرض شدیدترین صدمات ملی و ضربات سیاسی – اقتصادی و فرهنگی قرار داد.» معظم له همچنین در نامه به رئیس‌جمهور درباره الزامات اجرای برجام آورده اند: «محمول مذاکرات که در قالب برجام شکل گرفته است، دچار نقاط ابهام و ضعفهای ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه‌به‌لحظه، میتواند به خسارتهای بزرگی برای حال و آینده‌ی کشور منتهی شود.»

انچنان که روشن است تعبیر «خسارت بزرگ» را باید با بیانات امروز رهبر انقلاب تفسیر کرد؛ خسارت بزرگ همان داستان مصدق و اعتماد مسوولان شبه مصدق به آمریکا و قراردادن ایران در معرض سالها صدمات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است؛ رهبر انقلاب چندی پیش نیز وجود آدم های «بی‌خیال» و «سهل‌ اندیش» ی را که «واقعیات را نمی فهمند» مشکل کنونی کشور دانستند.(۱۵/۷/۹۴)

ممکن است برخی بگویند مصدق انسان «متدین» ی بوده و علت اعتماد آیت الله کاشانی به او نیز همین خصلت بوده است لیکن امریکازدگی و ساده لوحی ضرورتا نافی تدین نیست او تمام انرژی انباشته ی ملت را هدر داد و به کودتای آمریکا انجامید و همین باعث شد که امام(ره) بگوید مصدق مسلم نیست و او به صورت اسلام سیلی زد. جناب ظریف انسان "متدین" ی است و ان شاه الله راه مصدق را نخواهد رفت و نگرانی های رهبری هم مرتفع خواهد شد. ان شاه الله

|  |
|--|
| <span><span><span></span></span></span>                          |
| <b>توافق چیز خوبی است</b>  |
| <b>طنز / پاسخ دانش آموزان دبستانی به پرسش اول مهر رئیس جمهور</b> |

اقا جان من همان اولش هم گفتم این کار را نکنید. گفتم درست است که بچه‌های دبستانی حتماً تحلیل‌های جامعی درباره توافق هسته‌ای و تاثیرات آن بر اقتصاد ایران دارند، اما خب دبستانی هستند و ممکن است نتوانند نشانی دفتر ریاست جمهوری را درست بنویسند! همینطور هم شد. خیلی از آنها نشانی را اشتباه نوشته‌اند و پاسخ‌هایشان به پرسش مهر رئیس‌جمهور بجای دفتر ایشان رسیده است به دست ما. برخی از پاسخ‌های آنها را در ادامه می‌خوانید.
رئیس جمهور محترم روز اول مهر ضمن حضور در یک دبستان پسرانه و در حضور دانش آموزان دبستانی (بخدا!) پرسیده بودند: «پس از توافق هسته ای فرصت های جدید پیش روی ما از نظر علمی ، فناوری ، محیط کار، اقتصاد و روابط با همسایگان و دنیا چیست؟»

- بی‌شک توافق هسته‌ای گامی بلند در جهت است. (رضا غلامی / سوم دبستان)
- اقا اجازه! ما جیش داریم! (اصغر/ دوم دبستان)

- طواف حسته‌ای خیلی چیز خوبی می‌باشد. ما هر شب با خانواده دور هم می‌نشینیم و درباره آن حرف می‌زنیم. پدر ما معتقد است که این خیلی چیز خوبی است و خدا کند بشود. ما همه قبل از خواب مسواک می‌زنیم. (منوچهر خیابانی/ چهارم دبستان)

- بر اساس کهن الگوهایی که بعد از جنگ جهانی دوم در جهان مورد آزمایش قرار گرفت و جواب داد، پارامترهای اقتصادی در کنش با یکدیگر فضایی اکوستیک خلق می‌کند که اجازه خروج آثار این کنشها از این فضا را نمی‌دهد. بنابراین طبیعی است که کاهش تعارض این کنش ها و میل دادن آنها از تضاد به سمت تنافر به ایجاد فضایی آرام خواهد انجامید. در این فضاست که اقتصاد شکوفا شده، رشد علمی شتاب گرفته، بسترهای فرهنگی ریشه دوانده و جامعه‌ای شاداب و بانشاط پدید می‌آید. از این رو توافق هسته‌ای خیلی خوب است. (ساسان امین‌پناه/ اول دبستان)

- من می‌دانم که توافق هسته‌ای هر چه که نباشد موجب افزایش شخصیت و حس خودباوری در بین کودکان این سرزمین خواهد شد، چون پریشب دکتر سعید زیباکلام و دکتر فواد ایزدی خانه ما بودند. همینکه آنها خواستند علیه توافق حرفی بزنند، پدرم با پشت دست خواباند توی دهانشان و گفت «ساکت شید بی‌سفادها، روم به دیفال چقدر حرف می‌زنید» و بعد رو کرد به سمت من و گفت: «شما بفرما عزیزم!» و من هم در محسنتات توافق کلی حرف زدم و کلی احساس شخصیت و خودباوری کردم. ممنونم. (کامبیز پیرداغی / سوم دبستان)

- ما خیلی توافق را دوست دارم. دیروز که با مسعود نشستہ بودیم کنار جوب و نوشمک می‌خوردیم– آقا اجازه! مسعود یکسال از ما بزرگتر است و سوم دبستان است و از ما خیلی بیشتر درباره توافق چیز می‌داند– او گفت که اگر توافق بشود مشق‌ها خودشان نوشته می‌شوند. او گفت بعد از توافق بچه‌ها می‌توانند لای انگشت معلم‌ها خودکار بگذارند. او گفت بعد از توافق فقط شبیه‌ها می‌رویم مدرسه و فقط هم رنگ ورزش داریم. او گفت بعد از توافق اگر به آقا فلافلی بگوییم نان اضافه بگذار فحش نمی‌دهد. او گفت بعد از توافق به همه بچه‌ها یک لاستیک دوچرخه می دهند که بدون و با جوب آن را بچرخانند. اقا اجازه! مسعود خیلی چیزها درباره فواید توافق می‌داند. ما مسعود را خیلی دوست داریم. ما توافق را هم خیلی دوست داریم. (سیامک بی‌طرف/ دوم دبستان)

### پرونده ویژه این شماره!

**نتیجه گیری تلخ اجتماعی از حادثه سر اه یاسر**

## با این خانواده تصادف کردید، منتظر پلیس ننمایید!

# فرار کنید!!

|   |
|---|
| <span><span><span></span></span></span> |
| <b>www.9day.ir</b>                      |



**طنز تلخ هفت تیرکشی عالیجنابان!**

هفت‌تیرکشی محافظ ع.م برای فرزند شهید لاجوردی خبری بود که هفته گذشته در رسانه ها منتشر شد و حیرت و تعجب مردم را در پی داشت. از همان بدو رسانه ای شدن این ماجرای تلخ، واکنشهای جالبی که اکثرا در قالب طنز بودند در فضای مجازی و رسانه ها به این اتفاق نشان داده شد. برخی نوشتند: اگر بعد از تصادف کروکی بکشید، هفت تیر می کشندا! بعضی از قول ع.م نوشتند: «اگر پلیس کروکی کشید، بریزید تو خیابونا!»؛ «هرگز در مسیر خودروهای خاندان ه.ر قرار نگیرید، چون علاوه بر خسارت مالی خسارت جانی هم به دنبال داردا!» و بسیاری جملات دیگر که همه آنها نشان دهنده یک حقیقت بسیار تلخ در این ماجراست.

**سرمستان از «آزادگی»**

ضرب و شتم یک شهروند عادی مسلمان ولو فرزند شهید والامقامی چون لاجوردی هم نباشد و هفت تیرکشی برای او، در ملاحظّ و جلو چشمان خانواده اش، به خاطر یک تصادف ساده که اتفاقا مقصر هم او نیست، به قدری زشت و زننده است که رسانه های همیشه طرفدار خاندان ه.ر هم در این چند روز نتوانستند از آن دفاع کنند و تنها با سکوت ماجرا را گذرانده اند. اما به راستی این نوع مشی و منش که البته ظاهرا در خانواده ه.ر سابقه دار هم هست، از کجا منشأ گرفته است؟ چرا برخی باید خود را به گونه ای بالاتر و برتر از بقیه مردم ببینند که به خود اجازه چنین رفتارهایی را داده و همچنان خودشان را محق هم بدانند؟ آیا اینها نتیجه پدیده شوم «آزادگی» نیست که خود، مولود «فراه طلبی» و «شرافیت گرای» در میان برخی مسئولین است؟ منظور از آزادگی نه معنای لغوی آن، که بسیاری از فرزندان مسئولین و بزرگان ما اشخاصی بسیار محترم و انقلابی اند (اگر معنای لغوی مد نظر باشد فرزند شهید لاجوردی هم آفزاده است) بلکه معنای خاص اجتماعی اش مد نظر است. مصداق بارز و تامّ «آزادگی» را می توان در منش و کردار فرزندان خاندان رفسنجانی مشاهده کرد. اتفاق چند روز قبل سه راه یاسر، شاید تنها یکی از چند ده نمونه اتفاقاتی از این دست است که به خصوص مردم تهران روزانه با آن مواجه می شوند. مشاهده برخی رفتارهای متکرانه و از سر دل خوشیهای سرمستانه توسط عده ای از آفزاده ها و منتسبین مسئولین، مشاهده خانه های مجلل و شبه کاخ برخی از مسئولین و فرزندانشان برای شهروندان تهرانی به امری عادی تبدیل شده است.

**دملی که سر باز کرد**

غرور، تیختر، خودبرتر بینی، اعتماد به نفس کاذب و مردم را به عنوان زیر دست دیدن و خود را صاحب اصلی انقلاب و کشور دانستن نتایج طبیعی سبک زندگی اشرافی و راحت طلبی عده ای سابقا انقلابی خسته و پشیمان است که اتفاقاتی مانند هفت تیر کشی سه راه یاسر، هر از چندی مانند سر باز کردن یک دمل چرکین، چرک و کثافت این نوع زندگی را بیرون می ریزد و بوی تعفنش در شهر می پیچد.

**عدالت قضایی، پادزهر دمل چرکین «آزادگی»**

اما در مقابل اگر عدالت قضایی مانند آنچه در مورد ه.ه تا حد نسبتا قابل قبولی رخ داد، به یک رویه و روال جاری در کشور تبدیل شود هر چند در نگاه متبخترانه خاندان های عاقبت طلب تغییری ایجاد نمی کند – مانند توهینهای ع.م به قوه قضائیه بعد از اعلام حکم پسر دلبندهش– اما لاقال بروز بیرونی و اجتماعی این ویژگی خود را برتر از مردم دیدن، کمی تا قسمتی کم رنگ خواهد شد.

**هفت تیرکشی سه راه یاسر، مظهر ناامنی روانی در جامعه**

امنیت روانی در جامعه مسئله مهمی است که رهبر فرزانه انقلاب در دیدار چندماه قبل با نیروی محترم انتظامی بر آن تاکید داشتند و اتفاقا یکی از مظاهر خدشه در امنیت روانی جامعه را جولان جوانان سرمست غرور ثروت با خودروهای گران‌قیمت در خیابانهای تهران دانستند. بنا براین از نیروی انتظامی هم انتظار می رود همانطور که به درستی بعد از تذکر رهبری، با دوردور کردن خودروهای لوکس در برخی خیابانهای شمال تهران برخورد کرد، با دیگر مصادیق تهدید امنیت روانی جامعه مانند آنچه در سه راه یاسر اتفاق افتاد نیز برخورد درخورى داشته باشد تا عرصه برای این دست گانگستر‌بازیه‌ها و لمپن بازیهای خاندانهای سرمست قدرت و ثروت باز نباشد. تا دیگر کسی مجبور نباشد بعد از تصادف با خودرو یکی از این نوع افراد، حتی مال خود را رها کند تا جانش را نجات دهد!

### روایت ماجرا

اما درباره اصل ماجرای هفت‌تیرکشی وطن امروز نوشت: سیداحسان لاجوردی، پسر شهید سیداسدالله لاجوردی در صفحه شخصی اینستاگرام خود نوشت که یک خودروی بی‌ام‌و در نیاوران و قبل از سه راه یاسر، با ماشین او برخورد کرد. او برای ممانعت از فرار بی‌ام و که سرنشین آن یک خانم جوان بود، از ماشین پیاده شد و با پلیس راهنمایی و رانندگی تماس گرفت. با این حال پس از مدتی قصد انصراف از پیگیری موضوع را داشت اما ادبیات نامناسب خانم بی‌ام‌و سوار او را مصمم به پیگیری شکایت خود کرد.

در این میان قبل از رسیدن افسر پلیس راهنمایی و رانندگی و تنها چند دقیقه پس از تماس سرنشین بی‌ام‌و، یک خودروی پژو سر رسید و راننده آن فرزند شهید لاجوردی را مورد ضرب و شتم قرار داد و در روز روشن برای او هفت‌تیر کشید! اما اینکه این فرد چه کسی بود، در روایت احسان لاجوردی ماهیت او تا حدودی مشخص شد! به گفته لاجوردی، در صندلی عقب ماشین پژو خانم ع – م حضور داشت که این موضوع نشان می‌دهد فرد هفت‌تیرکش، محافظا بوده است! البته اصطلاح «ع – م» در روایت احسان لاجوردی آمده است.

محافظ عروس!

سرنخ ماجرای اقدام عجیب این محافظ همان سرنشین خودروی بی‌ام‌و است! سرنشین خودروی بی‌ام‌و چه کسی بود؟ پیگیری‌های «وطن امروز»، البته حلقه وصل این ماجرا را روشن کرد. خودروی بی‌ام‌و مذکور، به اسم خانم «م.س» ثبت شده است؛ اما م.س کیست؟ یک جست‌وجوی ساده هویت صاحب خودروی بی‌ام‌و و نقطه وصل او با خانم ع – م را به خوبی مشخص می‌کند. م.س یکی از عروس های حجت‌الاسلام الف.ه.ر و خانم ع.م و همسر ی.ه. است! البته این عروس خانواده آقای ه.ر ، یکی از بستگان نسبی آنها نیز هست.



**قلم سرخ مسئولیتی در خصوص صحت مطلب ذکر شده نداشته و صرفا بازنشر دهنده آن بوده است**

|   |
|---|
| <span><span><span></span></span></span> |
| <b>دکتر وحید یامین پور</b>              |

**آن روی سکه تدبیر رهبری در خنثی کردن تبلیغات کاسبان برجام؟**

**«حقیقت تلخ» نامه رهبر انقلاب به روحانی چه بود؟**

در پس خوشحالی‌ای که از نامه ی قاطع رهبر معظم انقلاب در خنثی کردن تبلیغات کاسبان برجام، بوجود آمده، حقیقت تلخی هم وجود دارد. رهبر معظم انقلاب مکررا خطوط قرمز نظام را در توافق هسته‌ای به طور عمومی اعلام کرده بودند ولی تیم مذاکره کننده موفق به رعایت آنها نشدند؛ در مرحله بعد علیرغم تبلیغات وسیع دولت و پیغام های تیریک و راه اندازی جشن های تصنعی، رهبری ظرفیت های قانونی نظام از جمله مجلس را برای رفع نواقص و برگرداندن برجام به محدوده خطوط قرمز فعال کرد که متاسفانه آنهم به سرانجام مدنظر رهبری نرسید. لذا ناچارا ایشان شخصاً ورود کردند و عموم نکاتی را که منتقدان و کمیسیون ویژه تاکید کرده بودند و هواداران دولت و آقای لاریجانی به آنها بی توجهی نشان دادند، در قالب شروطی ۹ گانه مورد تاکید قرار دادند.

ایهامات، ضعف های ساختاری و موارد متعددی که در متن برجام وجود داشته، موجب شد تا رهبر معظم انقلاب اجرای این متن را مشروط به ۲۸ شرط شامل ۱۰ شرط شورایعالی امنیت ملی، ۹ شرط مجلس و ۹ شرط مد نظر خود بدانند، تا بواسطه اجرای این شروط، بنا بر متن ابلاغیه معظم له، از "خسارت‌های بزرگ برای حال و آینده‌ی کشور " جلوگیری شود. این در حالی است که علاوه بر شروط اعلام شده توسط رهبر انقلاب، ایشان "مراقبت دقیق و لحظه به لحظه" نسبت به این نقاط ضعف ساختاری را نیز برای جلوگیری از ضربه زدن برجام به منافع ملی ضروری دانسته اند.

**اکنون سؤال مهم این است دولتی که نتوانست در مذاکرات و زمانی که هیچ تعهدی امضا نشده خطوط قرمز و دلوایسی های رهبری را رعایت کند، آیا می تواند در اجرای یک معاهده ی منعقد شده، الزامات ابلاغ شده را رعایت کند؟!**

|   |
|---|
| <span><span><span></span></span></span> |
| <b>خبرگزاری دانشجو</b>                  |
| www.snn.ir                              |



**قلم سرخ مسئولیتی در خصوص صحت مطلب ذکر شده نداشته و صرفا بازنشر دهنده آن بوده است**

**دستور کار فوری اصلاح‌طلبان در مورد یک بنر "ضد‌آمریکایی" باید جلوی ایجاد موج جدیدی از آمریکا‌ستیزی را در دوران پسا برجام بگیریم.**

## داستان یک پرچم ...

به گزارش گروه فضای مجازی خبرگزاری دانشجو، در آستانه روز ۱۳ آبان در میدان ولیعصر بنر بزرگی به نمایش در آمد تحت عنوان "داستان یک پرچم" که به صورت مفهومی به جنایات این کشور در جهان اشاره می کند.همزمان با رونمایی از این تابلو بزرگ در میدان ولی عصر تهران جریان رسانه ای اصلاح طلب که این روزها درگیر پاشیده شدن یک تیم جاسوسی می باشد با دستورالعملی جدید وارد فعالیت شده است.

به گزارش تهران پرس اتاق فکر رسانه های جریان اصلاح طلب به رسانه های این جریان و مرتبطین شبکه های اجتماعی اعلام کرده که باید جلوی ایجاد موج جدیدی از آمریکا ستیزی را در دوران پسا برجام بگیریم. این موضع ظاهرا به مذاق برخی جریانات نزدیک به دولت نیز خوش آمده است.

لازم به ذکر است همزمان با رونمایی از این عکس در میدان ولی عصر هجمه شدیدی از جانب اصلاح طلبان و جریان فتنه و ضدانقلاب در شبکه های اجتماعی و برخی رسانه های این جریان شروع شده است که احتمال می رود این موج هجمه طی روزهای آینده نیز با شدت بیشتری فعالیت داشته باشد.